

## جهان سوم: آرهنای مدرن، ابلیسیان: سهامداران تروریسم، آینده: روباتروریسم و نانو تروریسم

امین طهماسبی

کارشناس سازمان جهاد کشاورزی، استان چهارمحال و بختیاری، شهرکرد، ایران  
amintahmasebi@chmail.ir

### چکیده

ترور و تروریسم در دهه‌های اخیر یکی از مباحث پررونق محافل سیاسی و حقوقی دنیا و مجامع بین‌المللی است. امروزه هر کسی ترور و تروریسم را با یک نگاه و برداشت که متوجه منافع خودش است تعریف می‌کند؛ یک تعریف از تروریسم در بین غربی‌ها رواج دارد و آن این است که هرکسی با ما نیست تروریست است و بالعکس. اما در واقع آنها این تعریف را در جهت تعریف و دستیابی به منافع استکباری خود تدارک دیده‌اند. در حالی که عده‌ای تروریسم را وسیله‌ای در دست ضعفا برای مقابله با قدرتمندان می‌دانند اما در واقع این اقویا هستند که با استفاده از تروریسم به دنبال تسلط کامل بر ضعفا هستند؛ کشورهای استکباری که از آنها در این مقاله با عنوان ابلیسیان یاد می‌شود با راه‌اندازی سناریوهای مختلف در جهان علی‌الخصوص جهان سوم و بویژه در دنیای اسلامی و با بکارگیری و رواج تروریسم به دنبال به انقیاد درآوردن ملت‌های هدف خود در جهت تاراج منابع و استعداد‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی‌شان بوده و هستند. در این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در ابتدا به شبیه‌نگاری دنیای جهان سوم با میدانهای گلابدیا توربازی روم باستان می‌پردازیم و سپس ضمن بررسی مختصر ابعاد مختلف ترور و تروریسم، نگاهی هم به آینده با فرض ادامه روند کنونی خواهیم داشت.

**واژه‌های کلیدی:** امنیت، ابلیسیان، ترور، تروریسم، روباتروریسم، نانو تروریسم.

## مقدمه

زندگی بشر همواره مصاف حق و باطل بوده، عرصه‌ای از سختی و آسانی، کامیابی و ناکامی، دوستی و دشمنی مدام با این زندگی همراه بوده است. انسان می‌بایست با آزمون زندگی و پرورش استعدادهای خود در این محیط پرتلاطم، شایستگی بندگی را در پرتو عنایتی که در معنای جاننشینی خالق نهفته است، بیابد و به کمال و رستگاری برسد. در این چرخه، پیروزی حق بر باطل وعده‌ی الهی است و همچنان بوده و نیز خواهد بود (۹)

ترور و تروریسم یکی از مباحث پررونق محافل سیاسی و حقوقی دنیا و مجامع بین‌المللی است. شنیدن این واژه ذهن را متوجه خشونت، وحشت و جنایت می‌کند. عملیات تروریستی پدیده‌ی تازه نیست، بلکه روشی است که طی قرون متمادی، ضعیفان برای ترساندن حکومتها و قدرتمندان حاکم یا دو قدرتمند در مقابل یکدیگر، یا قدرتمندی برای ترساندن ضعیفان به کار برده اند، و تاریخ، آکنده از اقدامهای تروریستی است (۷).

در این میان بسیاری تروریسم را ابزار ریزقدرت‌ها علیه قدرت‌های بزرگ و ابرقدرتها می‌دانند، اما واقعیت این است که این معادله غالباً برعکس است، یعنی اقویا و قدرتهای بزرگ بیش و پیش از ضعف و ریز قدرتها از این شیوه جهت پیشبرد منافع و اهدافشان استفاده کرده و می‌کنند (۱۱).

در این مقاله که در سه بخش ارائه می‌شود؛ ابتدا به شبیه‌سازی جهان سوم و پدیده تروریسم با مهمترین سرگرمی رومیان باستان، یعنی گلاادیاتوربازی می‌پردازیم. سپس به بررسی مختصر، واژه‌شناسی، ریشه‌یابی و شناخت بهره‌برداران واقعی پدیده تروریسم در عصر حاضر پرداخته و در بخش سوم نگاهی مختصر به آنچه ممکن است در آینده رخ دهد خواهیم داشت.

۱- جهان سوم: آرهنای<sup>۱</sup> مدرن

در روم باستان در میان همه سرگرمیهای متنوعشان، نوعی سرگرمی خودنمایی می‌کرد که علی‌رغم گذشت هزاران سال از آن هنوز هم به عنوان موضوع و داستان بسیاری از فیلمهای پرتماشگر امروزی خودنمایی می‌کند. در این سرگرمی که گلاادیاتوربازی<sup>۲</sup> نامیده می‌شد، ثروتمندان و فرمانروایان روم باستان با به بند کشیدن انسانهایی اکثراً بی‌گناه از اقصی نقاط جهان و مجبور کردنشان به مبارزه با هم‌نوع خودشان و یا حیوانات تا سرحد مرگ ظاهراً اسباب سرگرمی خود و مردمانشان را فراهم می‌کردند، در حالی که نیت واقعی‌شان کسب سود و تجارت بود؛ در واقع آنها با وسیله قرار دادن جان عده‌ای انسان چرخ زر و زور خودشان را می‌چرخاندند.

اما چیزی که دلیل و باعث نوشتن این متن شد این است که با کمی دقت در اوضاع دهه‌های اخیر و این روزهای جهان درمی‌یابیم که نه تنها گلاادیاتوربازی موضوع فیلمهای سینمایی شده است بلکه یک رونق و تقلید بسیار مدرن و وحشیانه‌تر از خودش در دنیای واقعی در حال اجراست و دنیای استکبار با ایجاد گروههای وحشی و تندرو و جنایتکار در یک میدان بزرگتر از میدان گلاادیاتوربازی باستان (آرهنای) به نام جهان سوم به دنبال کسب منافع اقتصادی و سایر نیات شوم خودش است و با تغییر نام آن از گلاادیاتوربازی به تروریسم، در واقع جان میلیونها انسان بی‌گناه را وسیله چرخاندن چرخ اقتصادی، استکباری و تهاجمات فرهنگی خودش کرده است. در این بخش به طور مختصر به شباهتهای میدانهای گلاادیاتوربازی روم باستان را با اتفاقاتی که در میدان جهان سوم تحت لوای پدیده شوم تروریسم اتفاق می‌افتد، اشاره می‌شود. باید به این نکته توجه داشته باشیم که دنیای استکبار بیشتر

(<sup>۱</sup> آرهنای: یک میدان شنی در مرکز آمفی‌تئاترهای روم باستان بود که گلاادیاتورها در آن به جان هم می‌افتادند. آرهنای در فارسی به معنای صحنه است.)

(<sup>۲</sup> گلاادیاتور: برده‌ای با مهارتهای یک جنگجوی حرفه‌ای در روم باستان که با یک انسان دیگر و یا با حیوانات درنده جنگیده تا موجبات تفریح تماشاگران را فراهم آورد.)

اهداف خود را از راههایی پیگیری می‌کند که کمتر جلب توجه می‌کند و دست خودش را مستقیماً در آنها آشکار نمی‌کند.

### ۱-۱- آره‌نای باستان:

تاریخ بشریت همواره شاهد رقابتهای گوناگون انسانها برای بقاء، پیشرفت، تحصیل منافع بیشتر، سرکوب عقده‌های درونی و ... بوده است. شکل رقابتها همواره از تنوع خاصی با توجه به منشاء آن برخوردار بوده است و از رقابتهای نظامی، اقتصادی، صنعتی، علمی، فرهنگی گرفته تا رقابتهای با منشاء ایدئولوژیک، همه جولانگاه‌هایی بوده که صرفنظر از هر نتیجه‌ای که آن رقابت داشته همواره عده‌ای به طور ثابت سودهای سرشار عمدتاً اقتصادی برده‌اند؛ این عده کسانی بوده‌اند که اگر جامع‌نگرانه علل پدیده‌ها و حوادث بوجود آمده بررسی شوند قطعاً از عوامل بوجود آورنده این حوادث بوده‌اند.

از ملموس‌ترین این جولانگاه‌ها که در واقع نماد همه انواع رقابتها در طول تاریخ می‌باشند آمفی‌تئاترهای روم باستان بوده‌اند که در وسط آنها میدانی شنی به نام آره‌نا ( صحنه ) بوده است که جولانگاه مبارزات خونین عده‌ای انسان با همدیگر و یا حیوانات بر سر زندگی خود بوده‌اند و این انسانها را که گلادیاتور می‌نامیدند محکوم بودند که در آره‌ناها آنقدر بجنگند تا کشته شوند یا بکشند و از این رهگذر هرچند تعداد زیادی از عوام سرگرم می‌شدند و به خیال خود تفریح می‌کردند، عده محدودی از خواص که همان فروانروایان و ثروتمندان بودند سودهای سرشار به جیب می‌زدند.

### ۱-۲- آره‌نای مدرن:

میدانهای آره‌نای گلادیاتورها ظاهراً هزاران سال پیش تعطیل شدند و حاکمان دیروز به ظاهر سر عقل آمدند و ادامه عیش و نوش و کسب زر و زور با وسیله قرار دادن جان انسانهای دیگر را مذموم دانستند و زجر کشیدن تعدادی انسان بی‌پناه را به خاطر هوسهای جاه‌طلبانه عده‌ای دیگر ممنوع کردند. اما اگر با دقت به سایر پدیده‌های بوجود آمده بعد از آن دوران نگاه کنیم متوجه می‌شویم که نه تنها گلادیاتوربازی و آره‌ناها تعطیل نشدند بلکه در صحنه‌ها و میدانهای دیگری و به اشکال وحشیانه‌تری ادامه پیدا کرده است و نه تنها صاحبان قدرت سرعقل نیامده‌اند بلکه در نیل به کسب قدرت و سرمایه‌اندوزی حریص‌تر و بی‌رحم‌تر شده‌اند.

اگر در روم باستان ثروتمندان دو انسان را برای قمار و تفریح و کسب سرمایه به جان هم می‌انداختند در دهکده جهانی امروز صاحبان زر و زور برای کسب ثروت و قدرت بیشتر ملت‌ها و مذهب‌ها را به جان هم می‌اندازند.

امروزه اگر کمی به صورت جامع و کلی حوادث را نگاه کنیم شاهد هستیم که تعداد زیادی گلادیاتور به مراتب قوی‌تر و خونخوارتر (با بهره‌گیری از پیشرفت تکنولوژی) در میدانهایی به مراتب بزرگتر از آره‌ناهای چند هزار نفری با تماشاگرانی به اندازه تمام جمعیت دنیا به جان همدیگر و سایر انسانها افتاده و ناخودآگاه در جهت سرازیر کردن سودهای سرشار به جیب غولهای سرمایه‌داری امروزی حرکت می‌کنند.

به صورت کلی دنیا نه به صورت یک دهکده بلکه به صورت یک آمفی‌تئاتر درآمدی که آره‌نای آن را جهان سوم<sup>۱</sup> می‌نامند و گلادیاتورهایش - اگرچه گلادیاتورهای روم باستان می‌دانستند که بازیچه مجبور و محکوم‌شده دست زر و زورداران شده‌اند - نمی‌دانند که وسیله بلندپروازی‌ها و مطامع غولهای سرمایه‌داری شده‌اند.

### ۱-۳- گلادیاتورهای امروزی:

گلادیاتورهای دنیای امروزی همانند نمونه‌های باستان خود، هم از نوع خوب دارند و هم از نوع بد، با این تفاوت که به نظر می‌رسد نوع خوب هم همانند نوع بدش بازیچه همان کارگردانان پشت پرده هستند و اگرچه در جهت اهدافی انسانی و آرمانی مبارزه می‌کنند اما نتیجه کارشان تفاوت فاحشی با گلادیاتورهای بد ذات ندارد.

(<sup>۱</sup>) جهان سوم: نامی که غربی‌ها بر روی جوامع و کشورهای به اصطلاح عقب‌مانده از جهان مدرن و توسعه‌یافته گذاشته‌اند.

تفاوت دیگر گلا دیاتورهای خوب امروزی با اسلاف خوبشان این است که شاید گاهگاهی اسلافشان می توانستند تأثیری شگرف در اطراف و زمان خود ایجاد کنند اما اینان همین اثر گاهگاهی را هم نمی توانند به طور کامل و موثر ایجاد کنند چرا که کارگردانان امروزی آنچنان از کارگردانان روم باستان ماهرترند که کوچکترین اثرات و حرکتیهای گلا دیاتورهایشان (چه خوب و چه بد) را برنامه ریزی و در جهت منافع خود کنترل می کنند. خونخوارترین گلا دیاتورهای امروزی قطعاً کسی نیست جز رژیم اشغالگر قدس. رژیمی که همانند گلا دیاتوری وحشی سالهاست به جان نه تنها ملت مظلوم فلسطین بلکه به جان همه آزادیخواهان جهان افتاده است. اما به غیر از این گلا دیاتور، گلا دیاتورهای فراوان دیگری در آره‌نای جهان سوم در حال مبارزه هستند. گروه‌های به اصطلاح افراطی امروزی چه در دل مسلمانان و چه در دل پیروان سایر ادیان (که البته بیشتر در بین مسلمانانند) از جمله: القاعده، منافقین، جیش‌العدل، پژاک، جبهه‌النصره، داعش، طالبان، بوکوحرام، شبه نظامیان مسیحی آفریقای مرکزی، بودائی‌ان افراطی میانمار و ... همه و همه همچون گلا دیاتورهایی هستند که همه کارها و ماموریتشان همان ماموریت گلا دیاتورهای روم باستان است با این تفاوت که گفته شد در روم باستان گلا دیاتورها می دانستند که محکوم و مجبور به اینکار شده‌اند اما اینان همین را هم نمی دانند و مساله و مشکل اصلی در همین نادانی و جهالتشان است که مانع اصلی در تعطیل کردن آره‌نای مدرن است نه زور شمشیر و اسلحه‌شان.

#### ۱-۴- کارگردانان دیروز و امروز:

اما کارگردانان امروزی این میدان گلا دیاتوربازی همان کسانی هستند که عمدتاً به نام غولهای سرمایه‌داری (صاحبان کمپانی‌های چندملیتی، کارخانه‌های اسلحه‌سازی، غولهای رسانه‌ای و ...) از آنها یاد می‌شود. اینان در واقع همان سهامداران نظام سلطه‌اند.

غولهای سرمایه‌داری امروزی، که به جای ثروتمندان دیروز بوجود آورنده میدانهای گلا دیاتوربازی روم باستان نشسته‌اند بر خلاف اسلافشان که در هر صورت تابع فرمانروایانشان بودند، فرمانروایان و حاکمان امروزی را در زیر سلطه خود گرفته‌اند و به تقلید از آن دوران عصرنویسی از این پدیده زشت را بوجود آورده‌اند. اینان بیشتر در دل جوامع غربی سکنی گزیده‌اند و با سلطه بر قدرت تصمیم‌گیری فرمانروایانشان و در اختیار داشتن بیش از ۹۰ درصد سرمایه دنیا هر روز در رقابت با همدیگر و بر سر کسب سودهای بیشتر گلا دیاتورهای بیشتری را در سرتاسر گیتی رو می‌کنند و آنها را بدون آنکه خودشان بفهمند، بازیچه نیات پلید و غیرانسانی خود می‌کنند.

همانطور که ثروتمندان روم باستان گلا دیاتورهایشان را از بین طبقه فقیر و مجرمان و به ندرت از بین فرماندهان و ثروتمندان یاغی انتخاب می‌کردند، صاحبان گلا دیاتورهای امروزی (نظام سلطه) نیز بیشتر گلا دیاتورهایشان را از بین فقرای امروزی که خودشان از آنها به نام جهان سومی یاد می‌کنند انتخاب می‌کنند و هیچ وقت ندیده‌ایم که یک گروه افراطی همانند گروه‌های افراطی که در جهان سوم جنایت می‌کنند در دل جوامع غربی بروز و نمو کند؛ که این نیز دلیل دیگری بر این است که کارگردانان گلا دیاتوربازی امروزی خودشان در کجا سکنی گزیده‌اند و برای در امان ماندن از وحشی‌گری گلا دیاتورهایشان، میدان بازی را در جای بسیار دورتری از محل زندگی خود بنا کرده‌اند و نامش را جهان سوم گذاشته‌اند.

#### ۲- ابلیسیان: سهامداران تروریسم

در طول تاریخ امنیت همیشه به عنوان یکی از مهمترین خواسته‌های انسان و از راهبردی‌ترین عناصر رشد و بقای ملت‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بوده است که تحقق عدالت جهانی نیز ارتباطی تنگاتنگ با آن دارد. اگر امنیت نباشد هیچ صلیحی امکان‌پذیر نخواهد بود و اگر صلح بوجود نیاید عدل و داد زمینه‌ای برای بروز نخواهند یافت. امنیت آنقدر برای نوع بشر اهمیت دارد که مازلو آن را بعد از نیازهای فیزیولوژیکی در رده بعدی اولویت قرار داده است.

میزان بهره‌مندی از امنیت در سطوح مختلف، با مجموعه عوامل ذهنی و عینی متغیر میان بازیگران، جوامع و نهادها پیوندی پایدار، متحول و بسیار حساس دارد. از سوی دیگر هرگونه تغییر و تحول در کیفیت امنیت با قدرت و توانمندی‌های هر بازیگر و شرایط محیطی آن ارتباط مستقیم می‌یابد. به بیان بهتر در دوران کنونی وجود شرایط صلح و امنیت، و در مقابل، شکل‌گیری

هرگونه فضای ناامنی، تعارض، مخاصمه و جنگ در عرصه بین‌الملل، مناسبات داخل و خارج جوامع و دولت‌ها را بیش از گذشته در هم درگیر و متداخل ساخته است.

امروزه مفهوم‌های ترور و تروریسم، به رغم ریشه‌ها و پیشینه‌های تاریخی‌شان، در ادبیات علمی بیشتر رشته‌های دانشگاهی، مراکز تحقیقاتی، رسانه‌ها و حتی در جامعه جهانی اهمیت و حساسیت بالایی یافته‌اند. تروریسم در بادی امر، فضای اندیشه و روابط بیرونی را در هاله‌ای از خشونت، ناامنی، ترس، انتقام و وحشت فرو می‌برد. توسعه اقدامات و منابع معطوف به تروریسم در ابعاد ملی و فراملی حاکمیت، تمامیت ملی واحدهای سیاسی، هویت‌های فرهنگی، سرمایه اجتماعی بین‌المللی و مآلاً فضای همکاری و همبستگی جهانی را مخدوش و متزلزل ساخته و صلح جهانی را ناممکن نموده است (۱).

از زمان ظهور تروریسم تا به حال، همواره این عمل مورد نکوهش بوده و مذموم دانسته شده است که یکی از علل آن، تعرض تروریسم به حقوق بشر است (۸). در واقع تروریسم در مقابل حقوق بشر است، اگرچه برخی دولت‌ها با توجیه مبارزه با تروریسم، حقوق بشر را نقص می‌نمایند (۷).

به رغم توجه طولانی مدت جامعه بین‌المللی به موضوع تروریسم، تاکنون تعریف جامع پذیرفته شده‌ای در مورد لفظ تروریسم وجود ندارد. عمده کنوانسیون‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای موجود در این زمینه، تنها در پی جرم‌انگاری اعمالی خاص و ارائه‌ی پیشنهادهایی جهت تسهیل استرداد یا تعقیب مرتکبان بوده‌اند، فارغ از اینکه آیا عمل مورد بحث ماهیتاً می‌تواند یک عمل تروریستی تلقی شود یا خیر (۸)، و هیچگاه به دنبال شناسایی و ریشه‌کنی زمینه‌های بروز رفتارهای تروریستی نبوده و نیستند. از نظر لغوی، ترور را استفاده از خشونت برای ایجاد ترس یا وحشت به ویژه به عنوان وسیله‌ای جهت تاثیر گذاردن بر اعمال سیاسی می‌دانند (۸). برخی از نویسندگان به طور کلی تروریسم را خشونت شدیدی می‌دانند که به صورت تهدید ناشناخته و پیش‌بینی نشده اعمال می‌گردد. به عبارتی تروریسم عبارت است از خشونت‌های ناشی از رفتار بشری (۷). به طور کلی جانمایه تعریف تروریسم ایجاد وحشت در مردم برای تحت فشار قرار دادن حکومت می‌باشد (۸).

در دانشنامه سیاسی ترور به این صورت تعریف شده است: ترور در لغت به معنای وحشت و به وحشت افکندن است و در سیاست به عمل حکومت یا گروه‌هایی اطلاق می‌گردد که برای حفظ قدرت یا مبارزه با دولت با اعمال خاص ایجاد وحشت می‌کند (۷).

تروریسم پدیده‌ای است مختص زمان صلح، چرا که مبارزات مسلحانه باید بر اساس حقوق و قواعد جنگی و کنوانسیون‌های بین‌المللی در این زمینه باشد (۸). اعمال خشونت علیه افراد جهت ایجاد ترس، پدیده جدیدی نیست، اما با این وجود، استفاده از واژه تروریسم در حقوق و سیاست بیشتر در دهه‌های اخیر شایع بوده است (۸). واژه ترور برای نخستین بار برای توصیف دولت ترور که متعاقب انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ در این کشور حاکمیت یافته بود، به کار برده شد. نخستین پاسخ‌های قانونی به تروریسم و تلاش در جهت تعریف این واژه را می‌توان در قرن بیستم مشاهده نمود (۸). اما هیچ‌گاه جامعه بین‌المللی در رسیدن به تعریف اجماعی از تروریسم، به دلیل وجود اختلاف نظر در خصوص مشروعیت اعمال و اقدامات رهایی‌بخش، موفق نبوده است. برخی تلاش در جهت ارائه‌ی یک تعریف قانونی از تروریسم را به جستجوی جام مقدس تشبیه کرده‌اند. در واقع با گذشت زمان علی‌رغم اینکه تروریست‌ها در تنوع بخشیدن به ابزار و روش‌هایشان موفقیت‌های فراوانی داشته‌اند، جامعه بین‌المللی هنوز در ارائه یک تعریف جامع از عمل تروریستی و تهیه یک لیست واحد از گروه‌های تروریستی و لیست کردن اعمال تروریستی درمانده‌اند.

برای شناخت تروریسم، هدف یا انگیزه‌ی آشکارا، یک عنصر کلیدی است. این هدف عبارت است از استفاده از ترس یا نگرانی شدید برای وادار ساختن آماج اصلی به خود به انجام رفتارهای خاص. اما در تعریف تروریسم هدف با روش در هم می‌آمیزد و برداشت ما را از تروریسم شکل می‌دهد (۸). در حال حاضر هیچ‌کس خود را به عنوان تروریست قبول نمی‌کند و بر همین اساس طرفین یکدیگر را متهم به ترور می‌کنند. در نتیجه طرفی حق با او خواهد بود که حاکم بوده، موفق بوده و از امکانات اطلاعاتی به بهترین نحو استفاده کرده است.

ارائه‌ی تعریفی واحد از تروریسم، نه ممکن است و نه ضروری. حاکم بودن قدرت در ارائه‌ی تعریف از تروریسم موجب گردیده است تا تروریست همیشه بین قهرمانی و خیانت سردرگم باشد. در صورت پیروزی در مبارزه و رسیدن به قدرت یک قهرمان خواهد بود و در غیر اینصورت یک مجرم مستحق مجازات (۸).

اما وجه مشترک تمام اعمال تروریستی نقص حقوق بشر است، حقوق کسانی که از این اعمال دچار خسارات مالی و معنوی می‌شوند. در واقع مهمترین نکته‌ای که در تعریف اعمال تروریستی باید مد نظر قرار گیرد حقوق بشر است. با این روند رو به رشد و تنوع گروه‌ها و اعمال تروریستی در جهان، بزودی همه کسانی که امروز در تعریف تروریست و ... مانده‌اند بالاجبار در یک جبهه واحد قرار خواهند گرفت و آن موقع شاید دیگر تعریف جامع به کار نیاید و کار از کار گذشته باشد. بنابراین اگر دولتها به خاطر حقوق واقعی ملت‌هایشان هر چه زودتر با ایجاد یک اجماع واقعی در مقابل اعمال تروریستی کاری انجام ندهند قطعاً آینده بشر با وجود این روند شتابناک توسعه روشها و اعمال تروریستی چیزی جز تیرگی نخواهد بود.

## ۲-۱- تروریسم، نظام سلطه: ابلیسیان

آنچه در مبحث تروریسم مهم می‌باشد، این است که شکل اقدامات تروریستی در طول تاریخ تاکنون، روز به روز پیچیده‌تر می‌شود. به بیان دیگر تروریسم از شکل اولیه آن که اقدام به یک عمل خشونت‌آمیز فیزیکی در حذف رقیب از صحنه بود، درگذشت زمان به تروریسم اقتصادی، فرهنگی، دولتی، سایبری تقسیم شده و تغییر شکل داده است. در واقع با توجه به کارکردها و جوانب گسترده شمول تروریسم، امروز بسیاری از اقدامات ایذایی گروه‌های سیاسی، اعتقادی و حتی دولتها، در حوزه تعریف تروریسم جای می‌گیرند. به طور مثال نمی‌توان تاثیرات مخرب و فاجعه‌بار تحریم غذایی یا دارویی علیه یک کشور که منجر به نارسایی‌های بهداشتی و پزشکی در اقشار وسیعی از جامعه شده و مشکلات بسیاری را برای آینده این افراد ترسیم می‌کند، نادیده گرفت. از این منظر در حوزه اقتصادی و فرهنگی نیز می‌توان شواهد بسیاری آورد که بر اساس آن جامعه هدف، مورد ترور واقع شده، فرهنگ، اصالت تاریخی و مذهبی یک ملت به منظور القای فرهنگ غیر بومی، به سخره گرفته می‌شود (۲).

رونق یافتن بی‌سابقه صنعت تروریسم در جهان بویژه در خاورمیانه و سایر کشورهای موسوم به جهان سوم، پس از سرازیر شدن دلارهای آمریکایی توسط کاخ سفید و شیوخ عرب به جیب گروههای تروریستی و تکفیری همچون القاعده و داعش، جنایات هولناکی را در دنیا علی‌الخصوص در دل جهان اسلام رقم زده است. جنایاتی که تاکنون راه‌های سیاسی و مسالمت‌آمیز، قادر به مهار آن نشده و افق‌های روشنی برای آینده آن نیز دیده نمی‌شود (۱۰).

این صنعت مرگبار که جنگ نیابتی آشکاری را توسط تروریست‌ها به نمایندگی از نظام سلطه علیه آزادخواهان جهان به راه انداخته است، اهداف پشت پرده این صنعت کثیف را روز به روز آشکارتر می‌سازد (۱۰).

بکارگیری صنعت تروریسم بعنوان جاده‌صاف‌کن برنامه‌های نظام سلطه با استمداد کشورهای بی‌کفایت و خودفروخته برای نظام سلطه ضروری می‌باشد.

از نگاه رهبر فرزانه انقلاب، یکی از بزرگترین خصایص استکبار جهانی، اتکای آن به عنصر تروریسم است و این رویکرد ناشی از اتکای آنها به قدرت حیوانی است. این مسأله سبب می‌شود تا کشورهای استکباری مسائل خود را با اتکای به منطق گفت‌وگو و مصالحه دنبال نکنند، بلکه همواره بر استفاده از ابزارهای غیرقانونی مانند زور، ترور و استفاده از قدرت، تمرکز داشته باشند (۱۲).

استکبار دارای یک بستر تاریخی ظهور و بروز است و اساساً پیدایش مستکبران را نیز باید در همین چارچوب مورد بررسی قرار داد. براین اساس، نخستین مستکبر تاریخ، ابلیس بود که قدرت خود را ملاک قرار داد و زیر بار حق نرفت. (۱۲)

قدرت‌های استکباری امروز نیز که تشکیل دهنده نظام سلطه می‌باشند نیز ارائه دهنده راه ابلیس بوده و به عبارت دیگر تکامل- دهنده همان راهی هستند که ابلیس آغاز کرد. در واقع فلسفه نظام سلطه و استکبار همان فلسفه ابلیسیان است.

نظر به فرمایشات مقام معظم رهبری، استکبار یعنی در دنیا قدرتی هست که به منافع ملتها و به خواست انسان‌ها، توجهی نمی‌کند، به مفاهیم ارزشی انسانی هیچ اعتنایی نمی‌کند و برای او فقط یک چیز اهمیت دارد و آن خود اوست، آن هم با روحیه تکبر، افزون‌خواهی و زورگویی، آن هم با زور و خشونت، با شدت، با بی‌رحمی و سفاکی، امروز آمریکا چنین وضعی دارد.

## ۲-۲- خصایص ابلسیان به عنوان بهره‌بران تروریسم

نظام سلطه استکباران عالم به عنوان یک پدیده تاریخی و تکامل یافته، واجد شرایط و خصلت‌هایی است که آن را از سایر ملت‌ها و مجموعه‌ها جدا می‌کند که برای تشخیص این شرایط و خصلتها بهترین میزان استفاده و کنکاش در فرمایشات مقام معظم رهبری می‌باشد:

از نگاه معظم‌له تروریسم، تهاجم به اسلام و استفاده ابزاری از حقوق بشر سه خصیصه ویژه نظام سلطه ابلسیان می‌باشند. یکی از بزرگترین خصایص استکبار جهانی، اتکای آن به عنصر تروریسم است و این رویکرد ناشی از اتکای آن به قدرت حیوانی است. فعالیت‌های تروریستی استکبار جهانی در حالی انجام می‌شود که خودشان این فعالیت‌ها را با عنوان و هدف "مبارزه با تروریسم" توجیه می‌کنند (۱۲).

"مروجان تروریسم، امروز به دروغ و نفاق، پرچم مبارزه با تروریسم را در دست گرفته‌اند و آن را برای دخالت در کشورهای اسلامی بهانه قرار داده‌اند (۱۲)".

در اندیشه رهبر معظم انقلاب، ضدیت با اسلام و معاوضه با قرآن، خصیصه‌ای دیرپا در نزد استکبار جهانی است. رهبری در این زمینه می‌فرماید: "امروز دشمنی با ایران اسلامی به خاطر اسلام است، وگرنه این همان ایرانی است که قلعه‌ی آمریکا و استکبار بود. آنها با اسلام دشمنی عمیقی دارند. اسلام به معنای حکومت و نظام. اسلام زنده و اسلامی که حقیقتاً می‌خواهد خودش را بر واقعیت‌های موجود جهان تحمیل کند."

شاخصه سوم ابلسیان از نگاه رهبری، دستاویز قرار دادن عنوان پرطمطراق حقوق بشر برای گسترش ظلم و جنایت در دنیاست. ایشان معتقدند که کشورهای استکباری با این عنوان، کلاه بزرگی بر سر تاریخ و بشریت گذاشته‌اند. در حالی که خود از معنای واقعی حقوق بشر آگاه نیستند و رفتار و اندیشه آنها فرسنگ‌ها با این عنوان فاصله دارند (۱۲).

## ۲-۳- مبارزه با تروریسم

امروزه مبارزه با پدیده‌ی تروریسم به یک امر مبتلابه نظام بین‌المللی مبدل گردیده است؛ چرا که وضعیت نابسامان ناشی از وقوع آن نه تنها موجب خدشه‌دار شدن امنیت انسانی شده، بلکه صلح و امنیت ملی و بین‌المللی را مورد حمله خود قرار داده است. بنابراین با چنین شرایطی به نظر می‌رسد تنها عزم راسخ جهانی می‌تواند به مثابه راهبردی ویژه در مبارزه با تروریسم تلقی گردیده و موجبات رفع شکاف‌های موجود در این رابطه باشد (۹).

مبارزه با تروریسم شعاری غربی است که عمدتاً از زبان سردمداران آمریکایی نظام سلطه شنیده می‌شود. حال آنکه کنکاش تاریخ آمریکا از یک نظر به مانند سیر و سفر بر روی ستون فقرات تاریخ ترور خواهد بود. تاریخ آمریکا به مثابه تاریخ ترور است. (۸)

جنگ و مبارزه با تروریسم به دولت‌ها اجازه می‌دهد در صورت تمایل، مشروعیت هرگونه مبارزه‌ای را به صورت مطلوب خود مورد بازنگری قرار داده و از این طریق شدیدترین اقدامات علیه آن را توجیه کنند، هر اقدام و هرگونه مبارزه‌ای در این راستا می‌تواند غیر مشروع باشد و شدیدترین واکنش‌ها را توجیه کند، چرا که مخل منافع دولت نشان داده می‌شود (۸).

رشد تروریسم بین‌المللی در دهه اخیر، در حقیقت ناشی از نزاع برای کسب قدرت یا حفظ قدرت موجود است (۸). ولی اگرچه در ظاهر ناشی از مقابله‌ی پدیده‌ی مدرنیته با سنت‌گرایی مذهبی است و در صحنه نمایش افراط‌گرایان مذهبی با کشورهای غربی و بویژه آمریکا به دلایل ایدئولوژیکی مبارزه می‌کنند اما در واقع داستان چیز دیگری است و این افراط‌گرایان مذهبی به ظاهر مبارز با نظام سلطه نیز در راستای اهداف همان ابلسیان دست به ترور و جنایت می‌زنند، چرا که نتیجه کار آنها همان چیزی است که نظام سلطه می‌خواهد و آن هم فراهم شدن شرایطی برای دخالت‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ... و در نتیجه به استیلا درآوردن کشورها و ملت‌های هدف.

نظام سلطه برای تسلط بر دنیا نیاز به بهانه برای توجیه افکار عمومی‌اش دارد و بهترین بهانه برای این منظور مبارزه با تروریسم است. پس اگر گروه‌های تروریستی در کشورهای هدف بوجود نیابند آنها بهانه‌ای در خور توجیه برای نیل به اهدافشان به دست نخواهند آورد. پس اگرچه این گروه‌های تروریستی در ظاهر در کنار کشتار و قتل و غارت و جنایت بی‌حد و حصر در کشورهای هدف تعداد محدودی حمله و کشتار علیه شهروندان غربی هم انجام می‌دهند، اما در باطن این جنایت‌ها را با هماهنگی سرویس‌های مخفی نظام سلطه، جهت دادن بهانه برای توجیه و عملی کردن نقشه‌های سلطه‌گرانه‌شان در ملتهای هدف علی‌الخصوص جهان سوم و بویژه در ممالک اسلامی انجام می‌دهند. شواهد و دلایل این نقشه‌های شوم از زبان خود متفکران غربی فراوان است.

آنجا که روشنفکر آمریکایی هاوارد زین می‌گوید "درک اینکه چرا آمریکا تا این حد نگران خاورمیانه است مشکل نیست، با یک کلمه می‌توان به این سوال پاسخ داد: نفت (۶)."

یا آنجا که می‌گوید: ایالات متحده برای حفظ دمکراسی به صحرای سعودی نیرو اعزام نداشته است. سلطنت سعودی یک نظام فئودالی است که حتی به زنان اجازه رانندگی کردن هم نمی‌دهد. مسلماً سیاست آمریکا این نیست که جهان را برای فئودالیسم امن تر کند. مسأله پول است، حمایت از دولتهای سرسپرده آمریکا و مجازات خاطیان و اینکه چه کسی قیمت نفت را تامین کند. پس ایالات متحده سیاستی را در پیش می‌گیرد که از یکسو روابط بسیار نزدیک با اسرائیل و کشورهای تولیدکننده نفت داشته باشد، و از سوی دیگر آنها را به جان یکدیگر بیاندازد تا بتواند به قدرت حاکم در خاورمیانه تبدیل شود (۶).

هاوارد زین در بخش دیگری از کتاب تروریسم و جنگ می‌گوید: دولتمردان آمریکا هیچ وقت صحبتی از جنگ با ترکیه و عربستان نمی‌کنند. یک تمایز مشخص بین آنهایی که بمباران میکنند و آنهایی که بمباران نمی‌کنیم وجود دارد. این تمایز ارتباطی با این مسأله که کدام کشور میزبان تروریست‌ها است، ندارد. تمایز فقط بر این اساس است که کدام کشور و ملت را هنوز تحت انقیاد خود در نیاورده‌ایم. کشورهایی که در انقیاد ما هستند، چون ترکیه و عربستان سعودی، می‌توانند هر تعداد تروریست که می‌خواهند پناه بدهند، ما نگاهمان به جای دیگری خواهد بود (۶).

بر اساس همین نگاه و راهبرد ابلسیان است که اکثریت تروریستهای داعش و القاعده از اتباع عربستان و افراد مورد حمایت این کشور و سایر کشورهای دوست آمریکا هستند، حامیان مالی و رهبران معنوی و صادرکنندگان فتاوی این تروریست‌ها در عربستان و قطر و ... با آزادی کامل این تروریست‌ها را حمایت می‌کنند، پادگان‌های آموزشی، گذرگاه‌های رفت‌وآمد و تغذیه مالی و انسانی‌شان از مسیر ترکیه است اما نه ترکیه و نه عربستان به هیچ وجه مورد مواخذه قرار نمی‌گیرند اما از سوی دیگر ایران که در صف مقدم مبارزه با داعش و تروریسم سازمان‌یافته بین‌المللی می‌جنگد همواره مورد ناجوانمردانه‌ترین حمله‌های گوناگون اقتصادی، تبلیغاتی و ... قرار می‌گیرد.

امتیاز راهبرد گسترش جنگ و پیروزی در "جنگ با تروریسم" این است که به دولت‌های نظام سلطه نعمت جنگی مداوم و بهره‌برداری از سرکوب را عطا می‌کند. و این مسأله منافع پیگیرانه‌ای برای شرکتها (شرکتهای تولید سلاح و چندملیتی به عنوان پیش‌قراولان اصلی لشکر ابلسیان) دارد (۶). ولی دنیا را به مراتب متزلزل تر و خطرناکتر خواهد کرد (۷). در واقع تحت حاکمیت امپریالیسم، شرکتهایی که سلاح تولید می‌کنند منافع عظیم مالی از این تسلیحات به چنگ می‌آورند و در نتیجه برای پی‌ریزی جنگ و درگیر بودن ملتها در جنگ راضی و خوشحالند.

از این رو می‌توان به راحتی درک کرد که همه اجزایی که خارج از نظام سلطه در حال نقش‌آفرینی در مسأله تروریسم هستند، هر کدام قطعاتی از سناریویی هستند که باید به بهترین نحو وظیفه خود را در جهت اهداف نظام سلطه انجام دهند. عربستان و ترکیه و سایر دولت‌های ارتجاعی در جهان باید تروریست‌ها را حمایت مالی و انسانی و معنوی کنند، راه‌های دسترسی و عملیات‌هایشان را به ملت‌های هدف فراهم کنند، با آنها تجارت کنند، اما از سوی دیگر خود نظام سلطه به ظاهر با این تروریست‌ها می‌جنگد. اما در واقع این اتفاقات برنامه‌ریزی شده تا در این میان نظام سلطه به اهداف و نیت خود که همانا به انقیاد در آوردن ملتهای هدف در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصادی، نظامی، فرهنگی و... گرفته تا نسل‌کشی و برهم زدن ترکیب‌های جمعیتی و قومیتی و مذهبی ملتهای هدف است، دست یابد.



باید این نکته مدنظر قرار گیرد که نگاه پراکنده به استکبار و ابلسیان، نمی‌تواند زمینه مبارزه و جبهه‌گیری علیه آن را فراهم کند. افزایش ظرفیت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری دنیای ضد استکباری و در رأس آن جهان اسلام و ایجاد اتحاد واقعی در درون آن، آگاه‌سازی ملتها از واقعیات، افزایش اختلافات و تشتت آراء در میان اردوگاه ابلسیان می‌توانند زایل شدن استکبار را نوید دهند. (۱۲)

### ۳- آینده: روباتوریسم و نانوتوریسم

مهار هدفمند آینده، اصلی‌ترین هدفی است که در پس آینده‌اندیشی قرار دارد و یکی از ویژگی‌های حیاتی برای ماندگاری است. ما برای ماندگاری و بقای خود نیازمند پیش‌نگری تغییر با میزانی از روایی و درستی هستیم، زیرا واقعیت ثابت نیست و فردا هرگز در تمامی عرصه‌ها مانند امروز نخواهد بود (۵).

در شروع هزاره جدید با ظهور تهدیدات تروریستی منجمله بیوتوریسم، سایبرتوریسم و ...، روشنی آینده به تیرگی گرائیده است. بیوتوریسم و پتانسیل مرگ دسته‌جمعی آن یکی از مفاهیم جدید و مهمی است که این روزها به طور روزافزونی در محافل علمی و نظامی مطرح می‌باشد. درک و فهم ضربات و آثار و عوارض شدید حمله‌های بیوتوریستی، برای جلوگیری از آسیب‌ها و صدمات ناشی از اینگونه عملیات خرابکارانه، امری بسیار ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. کسب آگاهی و فهم کمیت و کیفیت لطمات و صدمات اقتصادی، اجتماعی، روانی، دروانی و بهداشتی ناشی از حملات بیوتوریستی، به ما کمک می‌کند تا بتوانیم پاسخ موثر و مناسبی را در زمان مناسب به اینگونه عملیات بدهیم. لذا برای داشتن جواب مناسب و موثر، ضروری است تا صدمات فرضی ناشی از این عملیات را بررسی و سپس بر اساس این پیامدها تصمیم‌گیرهای مناسب را انجام دهیم (۱).

از آنجا که پیشرفته‌ها و جهش‌های شتابناک دانش و فناوری بسیار پرشتاب‌تر از شکل‌گیری قواعد و رویه‌های اخلاقی برای مهار و مدیریت این عرصه است، نگاه ویژه به این تغییرات در حوزه تروریسم با توجه به پتانسیل خطرناک آن در صورت بکارگیری روشهای مبتنی بر ترکیب فناوری‌های پیشرفته مختلف، بسیار ضروری می‌باشد.

امروزه موجی قوی، بخش عظیمی از جهان را فرا گرفته و دنیای عجیب و تازه را خلق کرده است ( و دنیاهای حیرت‌آورتری را خلق خواهد کرد)، در این فضای گیج‌کننده نظامهای ارزشی متلاشی شده و فرو می‌ریزند (۰). با این روند احتمال بکارگیری روشهای بسیار پیشرفته‌تر در میان گروه‌های تروریستی بسیار زیاد است. روشهایی که شاید دیگر نیروهای انسانی کارایی زیادی در آنها ندارد و تماما مبتنی بر استفاده از رباتها و روشهای نانو خواهند بود. در واقع شاید در آینده‌ای نه چندان دور تمام روشهای تروریستی از جمله بیوتوریسم و اگروتوریسم و ... در لوای واژه‌های جدیدی از جمله روباتوریسم و نانوتوریسم جمع شوند.

امروزه بسیاری از تغییر و تحولات کنونی نه مستقل از یکدیگرند و نه وقوعشان تصادفی (۰). این تغییر و تحولات اگر به درستی کنترل و در جهت انسانی مهار نشوند، عصر تیرگی سرنوشت انسان بزودی فرا می‌رسد. از این رو همانگونه که میلبراث می‌گوید نمی‌توان در مسیر گذشته به حرکت ادامه داد (۳).

همیشه شگفتی‌سازها بیشترین تأثیر را در تغییر روندهای طبیعی دارند، این شگفتی‌سازها در پستوها در حال تولید هستند. در لوای موج تغییر و تحولات مذکور، صاحبان قدرت و ثروت و کارگردانان اصلی جهان (ابلیسیان) با مشغول کردن تماشاگران به فرایندهای تکراری دهه‌های اخیر (تروریسم معمولی، جنگهای داخلی، ظهور و نزول القاعده، داعش و ..)، در پستوهای خود در حال کاوش بر روی راه‌های به استیلا کشیدن صددرصدی بشر با کمترین هزینه‌ها هستند. راههایی که دیگر نیاز به بکارگیری هیچ انسانی در پیشبرد آنها نیست، راههایی که اگرچه دست‌ساخت بشر خواهند بود، اما حتی می‌توانند به مخترعین خود هم رحم نکنند، راههایی که همه انسانها فارغ از تفاوت‌های فرهنگی، دینی، نژادی و ... را هدف قرار داده و در واقع همه انسانها تحت ظلم دست‌ساخته‌های هم‌نوع خودش خواهد رفت. دیگر در آن عصر القاعده و داعش و بوکوحرام و ... کارایی نخواهند داشت.

بدون داشتن چارچوبی منظم برای درک برخورد نیروها در جهان امروز، ما سرنشینان کشتی‌ای را مانیم که در طوفان سهمگین گرفتار آمده است و در تقلاست تا بدون قطب‌نما یا نقشه دریایی در میان صخره‌های خطرناک راه خود را به جلو بگشاید. در

فرهنگی متشکل از تخصص‌های متضاد، غرق شده در داده‌های پاره پاره، و تجزیه تحلیلهای موشکافانه دقیق، ترکیب همه جوانب نه تنها مفید، بلکه امری بسیار ضروری است.

با این سرعت ترکیب تکنولوژی‌ها و پیشرفت علم نظام‌های امروزی از بنیان دگرگون خواهند شد و همانگونه که تافلر گفت "واقعیت بر تخیل پیشی خواهد گرفت". موج تغییر و تحولات کنونی نوید تمدنی جدید را می‌دهد. این تمدنی آنچنان در عمق انقلابی است که پیش‌فرضهای کهنه ما را باطل می‌سازد. روشهای کهنه تفکر، فرمولهای قدیمی، احکام جزمی و ایدئولوژی‌ها، صرفنظر از اینکه چقدر بدانها امید بسته شده و یا در گذشته تا چه حد سودمند بوده‌اند، دیگر با واقعیت‌های روز تطبیق نمی‌کنند. جهانی که به سرعت از برخورد ارزشها و تکنولوژی‌های جدید، روابط ژئوپولیتیک تازه، شیوه‌های جدید زندگی و ارتباطات نوین تکوین می‌یابد، به اندیشه‌ها و قیاسها و طبقه‌بندی و مفاهیم کاملا تازه‌ای نیاز دارد. نمی‌توان جهان جنینی فردا را در آشیانه‌های فکری مرسوم دیروز پرورش داد. خلق و خوی و نگرشهای درست‌آئین نیز دیگر کارساز نخواهد بود (۳).

اگر تدوین راهکارهایی موثر و واقعی برای به انحراف کشیده نشدن تمدن آینده صورت نگیرد، در دنیای جنینی فردا دیگر سلاطین و شاهزادگان امروزی با چنگ و دندان هم نمی‌توانند قدرت خود را حفظ کنند و سلاطین و شاهزادگان واقعی کسانی خواهند بود که روباتروریسم و نانوتروریسم را در اختیار خواهند داشت.

آشوبها و نابسامانیهای تمدن امروزی ناشی از سوءاستفاده بشر از علم و توانش در دستکاری مواد پلاستیک و فلزات است، حال با توجه به اینکه امروزه با پیشرفت و ترکیب تکنولوژی‌ها، بشر قادر است در موجودات زنده دستکاری و دخل و تصرف کند، موجودات زنده مصنوعی غیر قابل تمایز با واقعی تولید کند، اگر تدبیری موثر برای جلوگیری از انحرافش اندیشیده نشود باید به دنبال الفاظی سنگین‌تر از آشوب و نابسامانی برای توصیف تمدن آینده گشت.

روزگاری را تصور کنید که با ترکیب تکنولوژی‌ها یک ربات انسان‌نما تولید شود که به راحتی قابل تمایز از انسان واقعی نباشد و بتواند به آسانی از قسمتهای مختلف بدن خودش یک سلاح تولید کند، آیا در صورت بکارگیری این ربات توسط ابله‌سیان دیگر هیچ انسان و اجتماعی در امان خواهد بود. و یا تصور کنید لشکری از رباتهای ریز همچون پشه‌ها تولید شوند که به راحتی به هر جایی از کره زمین و در هر آب‌وهوایی که برنامه‌ریزی شوند رفت و آمد کنند. فقط تصور اینکه چه نیات شومی را می‌توان با این رباتها عملی کرد نگرانی عمیق و ترسی دائمی را بر انسان مستولی می‌کند. این سناریوها در حوزه فناوری‌های نانو نیز به راحتی قابل تصور است.

اگرچه ترکیب تکنولوژی‌های جدید با بنیان نوین انرژی تمامی تمدنمان را به سطح کاملا جدیدی ارتقاء خواهد داد (۳)، اما عمق و میزان این پیشرفت یا اهمیت آن برای آینده تکامل خود انسان ایجاب می‌کند از هم‌اکنون جهت آن را هدایت کنیم. داشتن برخوردهایی از جمله "از عهده من بر نمی‌آید" یا "هرچه پیش آید خوش آید" سرنوشت شومی را برای ما و فرزندانمان به بار خواهد آورد (۳).

سرانجام، ارزشها، از جمله ابعاد ضروری و بایستنی در راه کوششهای ما برای مهار آینده هستند. در راه اندیشیدن به آینده، ما به شیوه‌ای تغییرناپذیر مقوله‌ها و مسایلی را در کانون توجه قرار می‌دهیم که برای ما ارزش به شمار می‌آیند. ارزشهای متفاوت به ارزشیابی‌هایی گوناگون (خوب یا بد) فرجام می‌یابند؛ این ارزشیابی‌ها حال و آینده‌ی پیش‌نگری شده را در بر می‌گیرند. ما برای دستیابی به سرانجامهای دلخواه و آرمانی، می‌کوشیم مولفه‌ها و واقعیات حاکم را مهار کرده و بر رویدادها لجام بزنیم، و بر این قیاس، مهار هدفدار بر پایه‌ی ارزش و هدف، اهمیت و انگیزه پیدا می‌کند (۵).

### نتیجه‌گیری

جهان سومی که هر روز یک بحران و یک پدیده را در دنیا به چشم جهانیان که همان تماشاگران این آرمانهای مدرن هستند نمایان می‌کند، در واقع نامی است که سوداگران و فرمانروایان امروزی بر روی میدانهای خون‌بازی قدیمی، به جهت فریب افکار عمومی، گذاشته‌اند و گرنه تمام رویدادها و پدیده‌های ناتمام این جهان سوم یک رونوشت بسیار ماهرانه از همان آرمانهای گلا دیاتوربازی روم باستان است.

چیزی که بیشتر مایه تاسف است همان چیزی است که در شرح بالا به عنوان جهالت بازیگران این میدان اشاره شد چرا که اگر این بازیگران همانند گلا دیاتورهای باستان می‌دانستند که مجبور و بازیچه دست عده‌ای قدرت طلب و سرمایه پرست شده‌اند، امیدی به ره‌اشدنشان از چنگ صاحبان خونخوارشان بود. اما همانطور که گفته شد اینان از اصل ماجرا بی‌خبرند و به راحتی هم خبردار نخواهند شد که حقیقت ماجرا چیست، چرا که کارگردانانی قهار در پشت پرده برنامه‌ریزی می‌کنند که با کمپانی‌های اقتصادی و رسانه‌ای که در اختیار دارند هر نوع حرکتی در جهت افشاگری چهره واقعی عاملین پدیده‌های مذموم امروزی صورت بگیرد در صورت بی‌تدبیری افشاکنندگان، به راحتی در جهت تامین مطامع خود کارگردانی می‌کنند.

امروزه اگرچه دیگر صدای گلا دیاتورهای خوب به راحتی به گوش تماشاگران و سایر بازیگران نمی‌رسد اما ما باید همانند یک گلا دیاتور خوب که ناخواسته و به زور صاحبان قدرت امروزی در یک میدان گلا دیاتوربازی بزرگ به نام جهان سوم گیر افتاده است، صدایمان را به شکلی گیرا به گوش تماشاگران و طرفهای مبارزه‌مان برسانیم و واقعیت ماجرا را در جهت رسوا کردن عاملان و کارگردانان اصلی این پدیده‌های مذموم آشکار کنیم تا شاید بتوانیم این گلا دیاتوربازی مدرن را در جهت ایجاد مهمترین تغییر مورد نیاز برای نجات آینده بشر، تعطیل کنیم.

امروزه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به عنوان یک بازیگر آگاه در میدان جهان سوم نقش‌آفرینی کند و با دیدگانی باز ضمن رصد همه جریانات و پدیده‌های موجود و در حال ظهور این میدان بی‌رحم، به عنوان مغز متفکر این میدان با برنامه‌ریزی جدی و هوشمندانه در جهت پایان دادن به این سناریوی وحشیانه و نجات دنیا از دایره نقشه‌های استعماری استکبار، که هیچ سودی برای بازیگران آن ندارد و تنها سود آن چرخش چرخ اقتصادی نظام سلطه و ایجاد ارزش افزوده برای ابله‌سیان است، حرکت کند.

البته منظور از نجات کشور از دایره نقشه‌های استعماری استکبار و رسوا کردن واقعیت‌های اصلی این جریانات به هیچ وجه این نیست که همانند یک گلا دیاتور زرنگ خودمان را از این مخمصه فراری دهیم، چرا که میدان گلا دیاتوربازی امروزی به مراتب بزرگتر و پیچیده‌تر از میدانهای آره‌نای روم باستان است و فرار کردن از آن تقریباً غیرممکن است و اگر هم بتوان از آن فرار کرد همانند یک گلا دیاتور فرتوت و پیر خواهیم شد و رمقی برای ادامه زندگی برابمان نخواهد ماند. بنابراین تنها راه نجات از این میدان مبارزه خونین و ظالمانه تعطیل کردن آن است نه فرار از آن و تعطیل کردن این میدان فقط از طریق حذف کردن تماشاگران و بازیگرانش امکان‌پذیر است. چرا که وقتی نه بازیگری برای بازی باشد و نه تماشاگری با رغبت برای تماشا، دیگر میدان بازی معنی نخواهد داشت و این کار فقط از طریق آگاه کردن تماشاگران و بازیگران از واقعیت مذموم ماجرا امکان‌پذیر است و فقط عده معدودی از بازیگران که امیدی به هدایت کردنشان نیست را باید نابود کرد.

زندگی بشر مصاف حق و باطل بوده، عرصه‌ای از سختی و آسانی، کامیابی و ناکامی، دوستی و دشمنی مدام با این زندگی همراه بوده است. انسان می‌بایست با آزمون زندگی و پرورش استعدادهای خود در این محیط پرتلاطم، شایستگی بندگی را در پرتو عنایتی که در معنای جان‌شینی خالق نهفته است، بیابد و به کمال و رستگاری برسد. در این چرخه، پیروزی حق بر باطل وعده-ی الهی است و همچنان بوده و نیز خواهد بود (۹).

جهان هستی راه خود را می‌رود، همانطور که رودخانه‌ها راه خود را می‌روند، تغییرات و شگفتی‌سازها در راه جهان وجود دارند همانطور که پستی و بلندی‌ها و پیچ و خمهای زیادی در راه رودخانه‌ها وجود دارد. ولی در نهایت هرکدام به سرانجام خود خواهند رسید، اما ما می‌توانیم با توان خود در کم و کیف این سرانجام در جهت شوربختی یا خوشبختی نوع بشر تاثیر بگذاریم، همانطور که می‌توانیم با احداث سدها در مسیر رودخانه‌ها از ویرانگری آنها جلوگیری و با احداث نیروگاه برق‌آبی و هدایت آنها به دشت‌ها از آنها در جهت خدمت به تمدن انسانی بهره بگیریم.

**منابع:**

- [۱] ایزدی، فؤاد، (۱۳۹۰)، منبع‌شناسی تروریسم و صلح، کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، تهران، مجمع جهانی صلح اسلامی.
- [۲] بنیاد هابیلیان، (۱۳۹۲)، چکیده مقالات اولین کنگره ملی ۱۷۰۰۰ شهید ترور تهران، مؤلف.
- [۳] تافلر، الوین، (۱۹۸۰)، موج سوم، ترجمه، خوارزمی، شهیندخت، (۱۳۷۸)، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات فرهنگ نشر نو.
- [۴] جمعی از اندیشمندان، (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه، تهران، مجمع جهانی صلح اسلامی.
- [۵] خزائی، سعید، محمودزاده، امیر، (۱۳۹۲)، آینده‌پژوهی، چاپ سوم، اصفهان، انتشارات علم‌آفرین.
- [۶] زین، هاوارد، (۲۰۰۵)، تروریسم و جنگ، ترجمه، ساری اصلانی، سعید، نشر الکترونیکی.
- [۷] قادری کنگاوری، روح‌الله، (۱۳۹۰)، نقدی بر مبانی نظری و عملی سیاست ضدتروریستی آمریکا، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۴.
- [۸] کارگری، نوروز، (۱۳۹۰)، تروریسم و حقوق بشر، مجله تعالی حقوق، صص ۳۶-۱۳، شماره ۱۵
- [۹] نمایان، پیمان، سهراب‌بیگ، (۱۳۹۱) محمد، مبارزه با تروریسم؛ راهبردی مؤثر در تحقق صلح عادلانه جهانی، مجله مطالعات جهانی شدن، مقاله ۴، صص ۱۴۴-۷۷، دوره ۳، شماره ۶.
- [10] <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920304001416>
- [11] <http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/3814/3827/23486>
- [12] <http://rasekhoon.net/article/show/697013>